

مایکل تمر رئیس جمهور تازه برزیل میتواند پیام آور گردش براسا باشد

اولین وزیر انتخاب شده از سوی تمر وزیر علوم است که معتقد به خلقت است [مخالف قانون تکامل است]. وزیر کشاورزی او از زمینداران بزرگی است که بخشهای عظیمی از جنگلهای بارانزای آمازون را برای کشت سویا نابود کرده است. و تمر اولین رئیس جمهور برزیلی چندین دهه اخیر است که حتی یکنفر وزیر زن در کابینه اش ندارد.

دولت مایکل تمر ۷۵ ساله که روز پنجشنبه ۱۲ می قدرت دولتی را بدست گرفت میتواند موجب گردش به راست مهمی در بزرگترین کشور آمریکای لاتین باشد.

سیلاس مالافایا <Silas Malafaia> وزیر جدید علوم که یک اورنجلیست با برنامه تلویزیونی است گفت: دولت تمر کار خود را خوب آغاز کرده است. مالافایا نویسنده کتاب « چگونه راهبردهای شیطانی را میتوان شکست داد؟ » است، کتاب یکی از پرفروش ترین هاست. او افزود: تمر قادر خواهد بود ایدئولوژی بیمارگونه <pathological> چپ را جارو کند. گر چه بخشهایی از آمریکای لاتین پس از انتخابات در آرژانتین و پاراگوئه از سیاستهای چپ فاصله گرفته اند اما سیاستهای تازه تمر دست راستی تر از آن کشورهاست چرا که سرمایه داران این کشور دارند بر او فشار می آورند تا شرکتهای دولتی را خصوصی کند و تمام کمکهای دولتی به مردم را قطع کند.

برای خیلی از منتقدین تمر گردش به راست از همه آشکارتر در نقش زنان در کابینه جدید در مقایسه کابینه دیلماروسف دیده می شود، تفاوت از این بالاتر نمی تواند باشد. خانم روسف ۶۸ ساله عضو گروه چریکی بود که پس از دستگیر شدن توسط دیکتاتورهای نظامی زیر شکنجه رفت و سپس اولین رئیس جمهور زن برزیل شد.

تا همین اواخر کسی نام مایکل تمر را نشنیده بود، اگر هم شنیده می شد در مورد همسر ۳۲ ساله اش مارسلا تمر <Marcela Temer> ملکه زیبایی پیشین برزیل بود که ۴۳ سال جوان تر از اوست، آنها وقتی با هم دوست شدند که مارسلا ۱۸ ساله بود. در شرح حال مارسلا در مجله veja بعنوان زنی زیبا خانه دار و با حجب و حیا تجلیل می شود، همین مجله آقای تمر را مردی خوشبخت میخواند که زنی چنین باوفا دارد که دامنش از زانوبالاتر نمیرود، البته این مجله صحبتی از خال های پشت گردن او که نام شوهرش بر آن حک شده نبرده اند.

و اما مسئله نژادی، پس از سالهای سال که برزیل داشت سیاستهای حمایت از رنگین پوستان و آفریقایی تبارها را اجرا میکرد <affirmative action> اکنون در کابینه تمر حتی یکنفر آفریقایی تبار دیده نمی شود در حالیکه ۵۱٪ از مردم برزیل خود را آفریقایی تبار یا نژاد مخلوط بحساب می آورند.

سرخپو پراکا <sergio praça> دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه undação getulio vargas می گوید:

«شرم آور است که وزرای کابینه آقای تمر تقریباً همه مردان سفیدپوست سالمندند»

او این کابینه را با کابینه جاستین ترودو <Justin Trudeau> در کانادا مقایسه کرد که نیمی از کابینه ۳۰ نفره اش زن هستند.

مایکل شیفلر <Michael Shifler> رئیس موسسه گفتگومیان کشورهای آمریکایی در واشنگتن می گوید: « او با رای مردم رئیس جمهور نشده است بلکه در اثر جریان استیضاح مشکوک زیر سوالی به این مقام رسیده»

بیش از نیمی از اعضای کنگره برزیل مسائل قانونی دارند [تحت تعقیب قانون اند]، از جمله قراردادهای تقلب آمیز با دولت، آدم ربائی و قتل و غیره. اینان شامل رئیس سنا و سخنگوی مجلس « سخنگوی قبلی مجلس که یک اورنجلیست دارای برنامه تلویزیونی

است و مرتب آيات انجيل را در برنامه اش ذکر ميکند، اخيراً به اتهام دزدی و پس انداز ۴۰ ميليونی در بانکهای سويس تحت تعقيب قرار گرفته است.

کامون دريمز ۱۲ می ۲۰۱۶

با فوران ثروت بسوی ثروتمندان در آمد طبقه متوسط و فقرا رو به افول ميرود

درآمد متوسط طبقات متوسط که در ۱۹۹۹ ۲۶,۰۰۰ دلار بود در ۲۰۱۴ به ۲۳,۸۱۱ دلار کاهش یافت، خانوارهای طبقه متوسط ۹۰٪ جمعیت شهرهای بزرگ، طبق تحقیق موسسه آمار گیری Pew میان ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ از نظر درآمد سخت عقب رفته اند.

این موسسه (که گزارش آن ۱۱ می بیرون آمد) ۲۲۹ منطقه از ۳۸۱ منطقه در شهرهای بزرگ را مورد بررسی قرار داده است – از سیاتل تا بوستون- شامل ۷۶٪ جمعیت آمریکا در ۲۰۱۴ – نتیجه تحقیق این بود که میان ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ درآمد خانوارهای فقیر از متوسط ۲۶,۳۷۳ دلار به ۲۳,۸۱۱ دلار کاهش یافته و درآمد متوسط طبقه متوسط از ۷۷,۸۹۸ دلار به ۷۲,۹۱۹ دلار نزول کرد.

این نشانه ی آن است که بحران ۲۰۰۸ هنوز ترمیم نیافته و شکاف طبقاتی عمیق تر و وسیع تر شده است. در این گزارش میخوانیم:

« وضعیت کنونی و آینده خانوهای طبقه متوسط آمریکا مسئله اصلی مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ خواهد بود... گرایش عمومی کاملاً آشکار است: طبقه متوسط دارد موقعیت خو را از دست میدهد و سهم آن از درآمد کشور در حال کاهش است. » با کاهش جمعیت طبقه متوسط و پیوستن آنها به طبقات فقیر، شکاف طبقاتی گسترش می یابد.

گزارش قبلی موسسه Pew نیز نشان داده بود که برای اولین بار در ۴۰ سال اخیر طبقه متوسط اکثریت جمعیت را تشکیل نمیدهند.

نیویورک تایمز ۱۰ می - Patricia Cohen

طبق گزارش تحقیقی economic policy institute "موسسه سیاستهای اقتصادی" تنها ۱۰٪ از جوانان ۱۷ تا ۲۵ ساله مدرک دانشگاهی دارند، برای چنین جوانانی میزان بیکاری ۱۷/۸٪ است، اگر آنهايي را که میخواهند کار تمام وقت داشته باشند اما نمی توانند گیر بیاورند به آنها بیافزاییم میزان بیکاری در بین این گروه به ۳۳٪ افزایش می یابد.

متوسط مزد ساعتی فارغ التحصیلان دبیرستانی از سال ۲۰۰۰ تا کنون کاهش یافته است، بسیاری از آنها که در کالج یا دانشگاه اسم می نویسند تمام نمی کنند (۳۶/۵٪) – (۲۴٪ کمتر از دیپلم) – (۲۸/۵٪ دیپلم دبیرستان) – (۳۶/۵٪ یک یا چند سال دانشگاه) – (۹/۳٪ مدرک دانشگاهی)

تقریباً در تمام موارد علت نرفتن به دانشگاه یا ترک نیمه کاره دانشگاه این است که مجبورند کار کنند تا درآمدی برای خانواده داشته باشند.

ماه می مجله آتلانتیک به قلم نیل گبلر

بانک فدرال امریکا از سال ۲۰۱۳ دست به یک ارزیابی و اقتصادی مصرف کنندگان آمریکایی زده است، اغلب یافته های این آخرین پژوهش آنچنان تکان دهنده نیستند:

۴۹٪ از کارگران پاره وقت ترجیح میدهند تمام وقت کار کنند، ۲۹٪ آمریکاییان انتظار دارند سال آینده درآمد بیشتری داشته باشند، ۴۳٪ از آمریکاییان که یکسال قبل خانه خریده اند فکر می کنند قیمت خانه شان بالا رفته؛

اما پاسخ به یک سوال آنها را حیرت زده کرده است: مامورین بانک فدرال از آنها پرسیده اند اگر بطور اضطراری نیاز به ۴۰۰ دلار داشتید چه میکنید؟

جواب: ۴۷٪ گفته اند که یا باید قرض بگیرند یا که باید چیزی را بفروشند وگرنه نخواهند توانست ۴۰۰ دلار تهیه کنند. چه کسی میدانست که ۴۷٪ آمریکاییان قادر به تهیه ۴۰۰ دلار برای امور اضطراری نیستند؟ البته من میدانستم چرا که خودم جز این ۴۷٪ هستم.

من خوب میدانم چگونه باید طلبکاران را جابجا کنم تا هفته را به پایان برسانم، من میدانم که چگونه باید عزت خود را زیر پا بگذارم و موی دماغ دیگران شوم تا بدهکاری ایم را بپردازم من میدانم که وقتی به ۵ دلار آخر میرسم منتظر چک بعدی هستم که برسد و چگونه روزهای متوالی با خوردن تخم مرغ زندگی میکنم.

من خوب میدانم وحشت از سر زدن به صندوق پستی چیست چرا که همیشه قبض تازه ای برای پرداختن در صندوق پستی هست اما به ندرت چکی در آن میتوان یافت.

من با این درد خوب آشنایم که به دخترم بگویم که خرج عروسیش را نمیتوانم بدهم و این درد را خوب میشناسم که مجبور شوی از دختر بزرگت که الان کار گیر آورده است و درآمدی دارد پول بگیری؛.....

شما با نگاه کردن به من این چیزها را نمیفهمید چرا که ظاهر من متنعم به نظر میرسد حتی اگر به رزومه من نگاه کنید هم وضع من را نخواهید فهمید: پنج کتاب، صدها مقاله، چندین جایزه و بورسیه و قدری هم معروفیت.

در این کشور ناتوانی مالی از ناتوانی جنسی هم بدتر است چرا که اگر کسی بگوید از ویگرا استفاده می کند مسئله ای نیست اما اگر بگوید با کارت اعتباریش مشکل دارد و اویلاست. گرفتاری مالی منشا سرافکنندگی روزمره و نوعی خودکشی است. تنها سپر بالای آن سکوت و دم بر نیاوردن است.

به همین دلیل نیز من گرفتاریهای خود را حتی با نزدیک ترین دوستانم هم در میان نگذاشتم تا اینکه فهمیدم میلیونها آمریکایی درگیر همین گرفتاری اند و این فقط در مورد بخش پایین و فقیر جامعه که دائم تقلا میکند نان بخورنمیری درآورد صدق نمی کند بلکه شامل طبقه متوسط و حرفه ای ها و بخشی از بالای ها هم می شود.

ناتوانی مالی را می توان شکنندگی مالی، عدم امنیت مالی یا فشار مالی نامید. اما هر آنچه آنرا بنامید شواهد نشان میدهد که اقلیتی بزرگ یا حتی اکثریت کوچکی از مردم آمریکا گرفتار آنند.

bankrate survey که آمار بانک فدرال را تایید می کند در ۲۰۱۴ نشان داد که تنها ۳۸٪ توان تهیه فوری ۱۰۰۰ دلار برای پرداخت به اورژانس یا ۵۰۰ دلار برای تعمیر اضطراری اتومبیل خود را ندارند. آمارگیری Pew نشان میدهد که ۵۵٪ مردم آمریکا باندازه کافی پول نقد ندارند که کاهش درآمد یکماه را جبران کنند. ۵۶٪ از وضع مالی سال گذشته خود ابراز نگرانی کرده و ۷۱٪ نگران تامین مخارج روزانه بوده اند.

پژوهش مشابهی توسط Anamaria Hasareli از دانشگاه جورج واشنگتن، Peter Tufano از آکسفورد و Daniel Schneider از دانشگاه پرینستون صورت گرفت که در آن از مردم پرسیده می شد که آیا " قادر به تهیه ۲۰۰۰ دلار در عرض ۳۰ روز بخاطر پیشامد غیر مترقبه ای هستید؟" ، آنان دریافتند که بیش از ۲۵٪ از افراد مورد سوال نمی توانستند، ۱۹٪ میتوانستند اگر چیزی گرو می گذاشتند و یا از مغازه های PayDay قرض بگیرند. نتیجه آنکه نزدیک به نیمی از مردم آمریکا در وضع مالی شکننده و در لبه ورشکستگی (financial edge) قرار دارند.

باز هم پژوهش دیگری توسط Jacob Hacker از دانشگاه Yale هست که در آن شمار خانواده هایی را مطالعه کرده که ۱/۴ یا بیشتر درآمدشان را در یکسال از دست داده اند « درآمد منهای مخارج پزشکی و قسط ماهیانه » و دریافت که بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲

۱/۵ خانوارها دچار چنین خسارتی شده اند و از طریق توسل به پس اندازشان نتوانسته اند آنرا جبران کنند. شاید مردم در حساب پس انداز خود باندازه کافی پول ندارند تا بتوانند از پس نیاز اضطراری به آنها بر آیند.

و اما ثروت خالص -Net worth- مردم امریکا: و این آن چیزی است که Edward N. Wolff اقتصاددان دانشگاه نیویورک درباره اش مطالعه کرده [نویسنده کتاب جدید " تاریخ ثروت در آمریکا"] مردم ثروت خالص چندانی ندارند که به آن متوسل شوند. ثروت خالص متوسط (Median) نسبت به نسل گذشته شدیداً کاهش یافته میان ۱۹۸۳ و ۲۰۱۳ برای ۲۰٪ طبقات پایین ۸۵٪، برای ۲۰٪ بالاتر ۶۳/۵٪ و برای ۲۰٪ از آن بالاتر (متوسط) ۲۵/۸٪.

طبق پژوهشی که بنیاد Russell Sage بودجه اش را داده، ثروت خاص خانواده های با درآمد متوسط با محاسبه میزان تورم سال ۲۰۰۳، ۸۷۹۹۲ دلار بود، به ۲۰۱۳ که میرسیم به ۵۴۵۰۰ سقوط کرد، (کاهش ۳۳ درصدی). این پدیده گر چه در اثر بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بود اما برای طبقات پایین سقوط از دهه ی ۱۹۸۰ آغاز گردید.

[در دهه ی ۱۹۵۰ تنعم را دموکراتیزه کردیم در ۲۰۱۰ عدم امنیت مالی را]

وقتی قرض بالا و پس انداز پایین باشد، تهیه اضطراری پول مشکل می شود، ۳۰٪ از آمریکاییان اصلاً پس انداز نمی کنند. اوج مزد و مزایای ۶۰٪ پائین خانوارها در سال ۱۹۹۹ بوده است از آن به بعد ۲۰٪ وسط ۶/۹٪، ۲۰٪ پایین تر ۱۰/۸٪، و ۲۰٪ آخر ۱۷/۱٪ سقوط کرده است.

طبق بررسی USA Today داشتن زندگی راحت طبقه متوسط (American dream) برای خانواده ۴ نفره نیاز به ۱۳۰ هزار دلار درآمد در سال دارد، در آمد متوسط خانواده ۴ نفره در سال ۲۰۱۴ درست نصف این مقدار بوده.